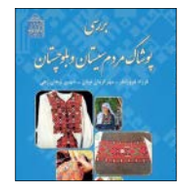

«پوشاک مردم سیستان و بلوچستان» کتاب شد

کتاب بررسی پوشاک مردم سیستان و بلوچستان منتشر شد. این مجموعه حاصل تلاش هیأت سه‌نفره فرزاد فروزانفر، مهرالزمان نوبان و شهین برهان‌زهی است. آشنایی با استان سیستان و بلوچستان، بررسی‌های تاریخی سیستان و بلوچستان، پوشاک سیستان، پوشاک سرحد، پوشاک مکران، هنر سوزن‌دوزی و... سرفصل‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

اللهیاری مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی محمد اللهیاری فومنی را به عنوان مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی منصوب کرد. وی پیش از این نیز در ۱۴ آبان ۸۸ به عنوان مدیرکل امور کتاب منصوب شده بود. از جمله سوابق اجرایی اللهیاری می‌توان به مدیرکل دفتر موسیقی، دبیر هفدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی، دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران، معاون نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و... اشاره کرد.

نشست روز

برگزاری چند محفل ادبی به مناسبت روز حافظ

گروه فرهنگی

به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت بیستم مهر، روز بزرگداشت خواجه حافظ شیرازی نشست پاسداشت مقام این شاعر با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود.

به گزارش جام‌جم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت بیستم مهر، روز بزرگداشت خواجه حافظ شیرازی، نشست پاسداشت این شاعر و غزلسرای برجسته ایرانی را در فضای مجازی برگزار می‌کند.

در این برنامه که امروز از ساعت ۱۴ تا ۱۶ برگزار خواهد شد، محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسن بلخاری رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، کاووس حسن‌لی استاد ادبیات دانشگاه شیراز، حسن انوری چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی، بهاءالدین خرمشاهی مترجم و حافظ‌پژوه، محمد بقایی ماکان نویسنده، مترجم و استاد ادبیات فارسی و سیدنجمی حسن زیدی دانشیار دانشکده دولتی آموزشی کراچی پاکستان سخنرانی خواهند کرد.

حافظ شیرازی با بیان شاعرانه و استادانه خود برخی از داستان‌های قرآنی را با اشاراتی ظریف بیان می‌کند اما به واقع او ناظم شعر نیست که به بیان روایت و داستان بپردازد بلکه شاعری زبردست و تواناست که با قدرت تخیل و شناخت ژرفی که نسبت به بسیاری از نکات و لطایف قرآنی، اجتماعی و فرهنگی دارد، اندیشه و نگاه خود را در قالب شعر ارائه می‌دهد.

نگاه این شاعر پرآوازه پارسی‌گو به هستی، نگاهی جهان‌شمول است، به‌گونه‌ای که اندیشه‌های خود را در قالب اشعارش با بیانی شیوا و زیبا و با به‌کارگیری استعاره و تشبیه، ایهام و مجاز و سایر صناعات ادبی بیان کرده است.

این برنامه در نشانی‌های زیر پخش خواهد شد:

www.instagram.com/anjomanasarmafakher

www.aparat.com/mafakherefarhangi

https://t.me/anjomanasarmafakher

همچنین هفتمین درس گفتار سیمرغ پارسی با موضوع «حافظ در برزخ صومعه و دیر مغان» در صفحه اینستاگرام بنیاد سعدی برگزار می‌شود.

به گزارش جام‌جم و به نقل از روابط‌عمومی بنیاد سعدی، این برنامه به مناسبت روز حافظ شیرازی با حضور قدرت‌ا... طاهری، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهیدبهشتی و الهام حدادی، دبیر علمی نشست و کارشناس معاونت امور بین‌الملل در بنیاد سعدی سه‌شنبه بیستم مهر، ساعت ۱۸ به وقت ایران برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این گفت‌وگوی زنده به آدرس اینستاگرام بنیاد سعدی به‌نشانی saadifoundation @ مراجعه کنند.

شب‌شعر موسم‌گل

همچنین به مناسبت بیستم مهر، روز بزرگداشت حافظ، شب‌شعر موسم‌گل با حضور استادان برجسته در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود.

در این شب شعر غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی درباره شخصیت حافظ شیرازی سخنرانی می‌کند.

در ادامه رسول نجفیان، فاضل نظری، ناصر فیض، نغمه مستشارنظامی و حامد عسکری به شعرخوانی می‌پردازند.

اجرای این شب‌شعر را سجاد سامانی بر عهده دارد و علاقه‌مندان می‌توانند با رعایت کامل موازین بهداشتی در این شب‌شعر که امروز از ساعت ۱۸ و ۱۵ دقیقه تا ۲۰ در سالن آمفی‌تئاتر فرهنگسرای ارسباران برگزار خواهد شد، حضور یابند.

دکتر سیدیحیی یثربی از راز لس

دلی که غیب نمای ا

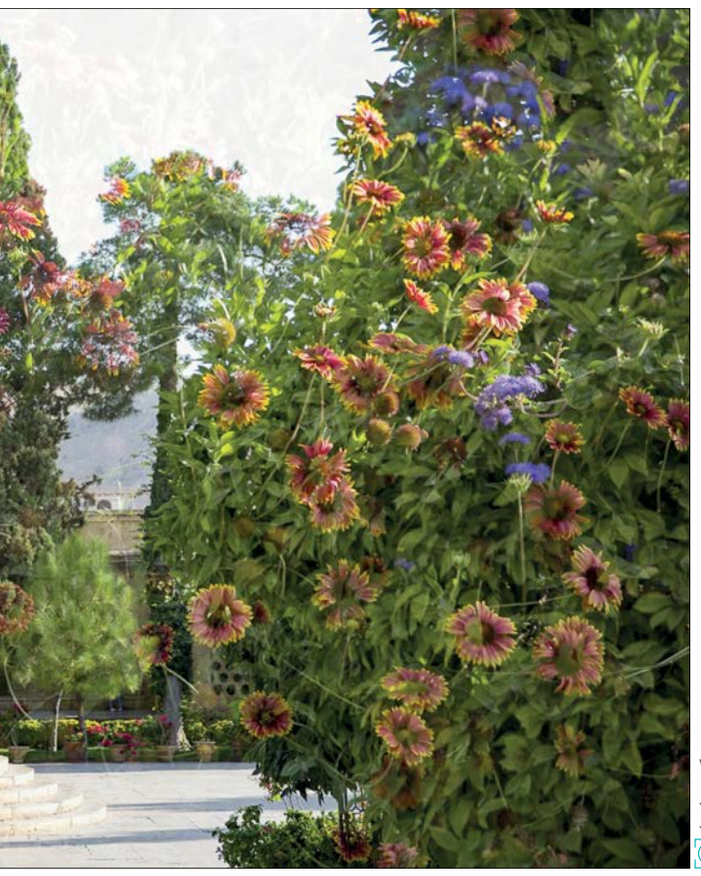

عکس: ایرنا

صبا کریمی

جام‌جم

بیستم مهرماه با نام شاعری گره خورده که در فرهنگ و زندگی ایرانیان جایگاهی ویژه دارد. خواجه شمس‌الدین محمد، حافظ شیرازی از برجسته‌ترین شعرای ایران زمین است که شهرتی جهانی دارد. حتی شاید بتوان او را محبوب‌ترین شاعر نام آشنای فارسی‌زبان قلمداد کرد که همه ایرانی‌ها حتی آنهایی که به شعر و شاعری علاقه‌ای ندارند، چند غزل از او را زیرلب زمزمه کرده‌اند. به اعتقاد سیروس شمیسا، غزل حافظ آشناترین اشعار برای عام و خاص است، موقعیتی منحصربه فرد که برای کمتر شاعری حتی در مقیاس جهانی پیش آمده است. حافظ با زبان اعجاب‌انگیز، اشعار طربناک، بذله‌گویی و رندی که مختص خودش است راه خود را به خانه هر ایرانی باز کرده است. گستره نگاه وسیع لسان‌الغیب نه تنها تشنگان اهل ادب را سیراب می‌کند که برای خوانندگانش نیز غزل به غزل سرشار از پیام و افشای اسرار پنهانی است. کمتر کسی است که با دیوان حافظ فال نگرفته باشد، اتفاقی که از هنگامه سال نو تا طولانی‌ترین شب سال تبدیل به یک سنت شده و برای بسیاری از اهل دل باز کردن یکی از صفحات دیوان حافظ و خواندن تحفه‌ای از آن دلگرم‌کننده و روحیه‌بخش است. اما چه شد که دیوان حافظ در میان مردم مرجعی برای تفأل زدن شد و چه کسی نخستین بار این صفحات را به نیت دریافت نشانه و پیامی از لسان‌الغیب گشود؛ آیا واقعا حافظ از اسرار پنهانی آگاه است و می‌داند کدام غزلش را به خواننده پیشکش کند یا اشعار سحرانگیز او از عالم معنا می‌آیند و او به علومی واقف است که مردمان عادی از آن محرومند؟

دکتر سیدیحیی یثربی، فیلسوف برجسته و استاد تمام در رشته فلسفه و کلام اسلامی پاسخ این سؤالات را می‌دهد. پژوهش‌های وی در حوزه نقد فلسفه اسلامی و عرفان اسلامی دارای جایگاهی ویژه است و با نگاهی متفاوت به شرح و طبقه‌بندی غزلیات حافظ در کتاب «آب طربناک» پرداخته است. وی حاصل سال‌ها انس با دیوان حافظ و تحقیق در حوزه فلسفه اسلامی را در این کتاب گنجانده است و به همین انگیزه در گفت‌وگویی مفصل با او به شرح و بسط چرایی تفال زدن با اشعار حافظ پرداخته و ارتباط این شاعر عارف مسلک را با فال و پیش‌بینی آینده می‌شنویم. مشروح این گفت‌وگو پیش روی شماست.

بهتر است بحث را از اینجا آغاز کنیم که ماجرای تفأل به غزلیات حافظ از کجا آمده و پیشینه آن به کجا می‌رسد؟

البته شاید نتوان جواب دقیقی به این پرسش داد اما می‌توانم بگویم این از محبوبیت دیوان حافظ نشأت گرفته است. این دیوان کم حجم و کوچک به راحتی نسخه‌برداری شده و به همه خانه‌ها راه یافته و مورد علاقه مردم است. مردم هم به فال علاقه دارند چراکه گاهی آدمی دلش می‌خواهد آینده را پیش‌بینی کند و بداند مسافرش می‌آید، معامله‌اش پرسود است، عشقش به سرانجام می‌رسد یا خیر. حال در این میان دیوان حافظ هم در دسترس بوده و کسی هم بانی شده و آن را برای نیتی باز کرده و از قضا بیتی به دلخواهش آمده؛ به همین ترتیب دیگری هم این کار را کرده و همین‌طور این اتفاق به تدریج جا افتاده و تبدیل به یک سنت شده است.

اما درباره ویژگی‌های حافظ باید گفت عارف‌ها عموما بر دو قسم هستند، اهل قبض و اهل بسط. حافظ یک شاعر و عارف بسطی است؛ بسطی‌ها همیشه شاد و امیدوارند. ما هم در فال چندان مشتری بد آمدن نیستیم و همیشه علاقه‌مندیم فالمان خوب بیاید و به ما امید دهد. دیوان حافظ دیوان خوش‌بینی، شادمانی و امید است چنان‌که می‌گوید «بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم، فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم». همه این نگاه را دوست دارند و اتفاقا مضامین غم‌انگیزی که در باب زاری و بدبختی باشد در دیوان حافظ وجود ندارد. بنابراین به نظرم دو عامل در تفأل زدن به حافظ مؤثر است، نخست فراوانی این دیوان در منازل مردم و دیگری خوش‌بینی حافظ.

این خوش‌بینی حافظ برآیندی از زندگی شخصی اوست یا نتیجه طبع شعر و ذوق هنری‌اش؟

فراموش نکنید حافظ مرد فقیری بوده است اما این فقر در آثارش به ندرت ظهور دارد و اغلب غزلیات او در باب دلخوشی و موفقیت است. البته گاهی چنان گله‌های سختی دارد که مشکل می‌توان این گله‌ها را در شعر شاعران دیگر پیدا کرد. مثلا در بیتی می‌گوید « پی پاره‌ای نمی‌کنم از هیچ استخوان، تا صدهزار زخم به دندان نمی‌رسد». زندگی او با تلخی می‌گذشته ولی با همان تلخی این‌گونه شاد بوده و گفته « با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام، نی گرت زخمی رسد آیی چو چنگ اندر خروش». او می‌گوید این‌طور نباش که وقتی زخمی به تو می‌زنند داد و فریادت بلند شود. نکته دیگر این‌که حافظ کلام را تکرار نکرده و گزیده‌گوست. مثلا بیدل، شاعر پیچیده‌ای است و کمتر کسی ابیاتش را می‌فهمد اما اشعار حافظ این‌گونه نیست و همه‌فهم است. مثلا جایی از تابوت و گور استفاده کرده اما به زیبایی و می‌گوید «به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید/ که می‌رویم به داغ بلندبالایی». حتی در شعر غم‌انگیز دیگری هم این نگاه زیبا را به وجود آورده و می‌گوید «بر سر تربت من با می‌و مطرب بنشین/ تا به بویت زلحد رقص کنان برخیزم.»

با این حال اما خیلی جالب است که در مجموع ابیات یک غزل حتما بیت و مصرعی پیدا می‌شود که خیلی به نیت خودمان نزدیک است.

دقیقا مانند فال است! همچون فال‌بین‌ها که یک کلیاتی دارند و شامل حال همه می‌شود. وقتی بحث از خوبی و خوشی باشد در سه‌چهار بیت از یک شعر بالاخره چیزی به تور آدم می‌خورد و وقتی مضمون شعرها کلی‌گویی است فرد به مطلب مورد نظرش می‌رسد.

شاید بد نباشید یک خاطره‌ای هم از فالی که یکی از دوستانم برایم گرفت نقل کنم؛ من تصمیم گرفته بودم کتابی با مضمون شرحی بر حافظ بنویسم البته به گونه‌ای متفاوت از کارهایی که تا به حال انجام شده، چراکه

گفت‌وگو با افشین هاشمی به بهانه تولد ۴۶ سالگی و نمایش فیلم تازه‌اش «پسران دریا» در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان

سالن‌های تئاتر و سینما پر از تماشاگر می‌شود

علی رستگار

سینما

باتوجه به سن و سال نه چندان زیادش، کارنامه‌اش در تئاتر به عنوان بازیگر، نیاز به یک «بزنم به تخته» و دودکردن مقادیری اسپند دارد. بازی در نمایش‌هایی از بهرام بیضایی، محمد رحمانیان، فرهاد مهندس‌پور، جلال تهرانی، محمدرضایی‌راد، حمید امجد و برخی کارگردان‌های معتبر دیگر که در فضاهای مختلفی کار می‌کنند، تنوع خوبی را در بازیگری افشین هاشمی رقم زده است. همین گوناگونی و تنوع در کارنامه سینمایی و تلویزیونی او هم به چشم می‌خورد، به ویژه در کارگردانی که هاشمی قالب‌های مختلفی را برای روایت قصه انتخاب می‌کند؛ از فیلمی چون «خسته نباشید» که مفهوم بازگشت به هویت و ریشه‌ها را در فرمی خوش‌رنگ و لعاب به مخاطب عرضه می‌کند تا «خداحافظ دختر شیرازی» که با یک گوشه چشم اقتباسی، عاشقانه‌ای مفرح و متفاوت است.

حالا افشین هاشمی در تازه‌ترین فعالیت کارگردانی‌اش، فضای دیگری را تجربه کرده و با همراهی حسین قاسمی جامی در «پسران دریا»، قصه‌هایی از یک نوجوان در شمال و یک نوجوان در جنوب را روایت می‌کند. فیلمی که این روزها در سی و چهارمین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان به نمایش درآمده و با مخاطبان نوجوان ارتباط برقرار کرده است. همزمانی نمایش این فیلم و زادروز افشین هاشمی که وارد ۴۶ سالگی شده، بهانه خوبی برای گفت‌وگویی مفصل با این هنرمند است.

«پسران دریا» باتوجه به تم مشترک دو اپیزود و عشق از نگاه دو قهرمان نوجوان آن که در دو نقطه شمال و جنوب کشور روایت می‌شود، مصداق «شمالم تا جنوبم عشق» است. چه کسی اولین قدم را برای ساخت فیلمی با این مفهوم و پیوند تماتیک برداشت؟

آقای حسین جامی به من پیشنهاد بازی در یک فیلم کوتاه را داد. به نظرم خط اصلی آن قصه، لطیف و بامزه بود. فکر کردم که چطور می‌توانم با افزوده‌هایی، آن را به یک مفهوم برای کل سرزمین تبدیل کنم و یک قصه فیلم کوتاه در شمال بشود قصه‌ای درباره ایران. ابتدا پیشنهادِ یک فیلم سه اپیزودی که در سه نقطه شمال، مرکز و جنوب بگذرد را دادم که هر اپیزود را یک کارگردان بسازد. آقای جامی هم موافق بود و قرار شد فیلم اول، همین تکه شمال باشد. در مسیر کار، شروع به بازنویسی فیلمنامه کردم، ضمن این‌که بازیگردان هم بودم. آقای جامی خودشان فیلمبردار بودند و به‌گونه‌ای جلوی دوربین را به من سپردند. در این فاصله و به‌تدریج قسمت‌های بخش دوم را هم جمع کردم و پس از پایان مونتاژ تکه اول، فیلمنامه دوم را نوشتم و دیگر به نظرم تکه میانی لازم نبود و درنهایت فیلم را ساختم.

از اول هم گرانیگاه قصه و حلقه اتصال دو بخش (لوچو و رگاگ) همین عشق بود؟

نسخه اولیه راجع به رابطه بامزه و همراهی یک پسربچه و یک مرد بود. پسربچه کشتی‌گیر بود و مرد از طریق او پول درمی‌آورد. ایده فیلم بیشتر بانمک بود. اما به نظر من این خط کافی نبود و یک مفهوم کلی نیاز داشت، یعنی همین مفهوم عشق برای این سرزمین؛ عشق به مادر، عشق به پدر، همین طور جایگزین‌کردن عشقی تازه به جای آنچه از دست رفته. بنابراین ضمن حفظ آن بامزگی، این مفهوم را هم به کار اضافه کردم. به عبارت دیگر بخش اول را بازنویسی و بخش دوم را هم نوشتم.

شما قبلا هم سابقه کارگردانی مشترک داشتید و فیلم «خسته نباشید» را با محسن قرایی ساختید. کارگردانی مشترک «پسران دریا» چه تفاوتی با آن همکاری داشت؟

همکاری در این دو فیلم کاملا متفاوت بود. من و محسن در «خسته نباشید» همه بخش‌های فیلم و دکوپاژ و جای دوربین را با هم مرور و بررسی و مشخص کردیم و بعد فیلم را جلوی دوربین بردیم. اما در «پسران دریا» بعد از این‌که قرار شد مفهوم عشق در قصه جاری شود، آقای جامی که خودش فیلمبردار بخش اول فیلم بود، با لطف و اعتمادی که داشت، بحث محتوایی را به من سپرد. این به معنی آن نیست که در نوشتن فیلمنامه از نظر ایشان استفاده نمی‌کردم، اتفاقا بخشی از خاطرات جذاب کودکی خود آقای جامی را هم در فیلم آوردم. آقای جامی بیشتر روی فیلمبرداری و دکوپاژ تکه شمال تمرکز کرد اما حال و هوای فیلم را به من سپرد. دوست داشتم در تکه جنوب هم به عنوان فیلمبردار همراه‌مان باشند که ایشان بعد از فیلمبرداری تکه شمال، درگیر دو پروژه سینمایی شدند و همراهی ممکن نبود.

با این‌که ساخت فیلم اسفند سال قبل به پایان رسیده اما به طرز جالبی، نمایش آن در جشنواره و به ویژه همان بخش اول که به یک نوجوان کشتی‌گیر مازندرانی می‌پردازد، با درخشش جوانان مازندرانی در جام جهانی کشتی آزاد و فرنگی همزمان شده است.

(می‌خندد) من این مورد را نمی‌دانستم اما چه جالب که این اتفاق افتاد.

شعار این دوره جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، «سینما، سرزمین خیال» است که انتظار می‌رود غالب فیلم‌هایی که در این رویداد به نمایش درمی‌آیند هم به آن پایبند باشند. به نظر می‌رسد «پسران دریا» با وجود کیفیت و استاندارد لازم و برخی جذابیت‌ها می‌توانست عناصر جذاب‌تری برای جذب بیشتر تماشاگران نوجوان به کار ببرد اما حالا انگار فیلم برای جلب نظر و رضایت مخاطبان کودک و نوجوان، شور و هیجان کمی دارد. آن هم تماشاگرانی که در محاصره و مواجهه فیلم‌های جذاب و پرهیاهوی خارجی در این زمینه هستند.

اشتباه اینجاست که ما فیلمی از جنس «پسران دریا» را با آن حال و هوای پرهیاهو ببینیم. در یک مهمانی، موسیقی تند و پرضرباهنگ پخش می‌کنند که شادابی مجلس زیاد شود. اما در یک کافه که با دوست‌مان در حال گفت‌وگو هستیم، آن موسیقی تند شاداب مزاحم گفت‌وگو خواهد بود. این فضا یک موسیقی ملایم در پس‌زمینه می‌خواهد تا گفت‌وگو بهتر شنیده شود. فیلم ما آن گفت‌وگوی کافه است. آن فیلم‌های شاداب پرهیاهو که در سینمای ایران و جهان فراوان است، همان چیزی را می‌طلبد که شما اشاره می‌کنید اما در «پسران دریا» باید سرعت کمی کند باشد تا مخاطب با تامل بیشتری آن را ببیند. ممکن است بچه‌ای که صبح تا شب بالا و پایین می‌پرد، با ریتم این فیلم همخوان نباشد اما اگر پای فیلم نشست مطمئنم ادامه آن را می‌بیند. به هرحال هر بچه‌ای لحظه‌ای دارد که آرام می‌نشیند و به مطلبی گوش می‌دهد. اگر فیلمی موفق شود چنین مخاطبی را برای لحظاتی با خود همراه کند، مطمئنا فیلم خوبی است.

منظورم از هیاهو جنبه منفی ندارد، بحثم شور و هیجانی است که در فیلم «خاله قورباغه» به کارگردانی شما وجود دارد که اصلا روایتی کودکانه و جذاب برای کودکان است.

اگر در یک فیلم بد یا متوسط بتوانیم لحظه خوب را تشخیص دهیم نشان می‌دهد هنر نمایش را می‌شناسیم. به همین دلیل هر فیلم بدی حتی اگر یک بازی، یک دیالوگ و یک لحظه خوب هم داشته باشد می‌گویم چه خوب و سعی می‌کنم همان یک لحظه را هم ببینم